کیهان

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴ □ ۲۷ شعبان ۱۴۴۷ □ ۱۶ فوریه ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۰۷۹

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۱۸، اذان مغرب: ۱۸/۰۵، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۶، اذان صبح(فردا): ۵/۲۵، طلوع آفتاب(فردا): ۶/۴۹

کشتار وحشیانه ساکنان ۳ روستا در نیجریه از سوی گروه‌های مسلح

افراد مسلح با حمله به ۳ روستا در ایالت نیجر واقع در غرب نیجریه دست‌کم ۴۶ تن از روستائیان را به طرح وحشیانه‌ای قتل‌عام کردند.

خبرگزاری فرانسه از قول یک منبع آگاه نوشته است، ۳۸ شهروند در روستای «کونکوسو» از طریق شلیک گلوله و یا قطع سر کشته شده‌اند. وی که نام او در این گزارش ذکر نشده است، افزود: ۷ نفر نیز در روستای تونگان ماکری و یک نفر هم در حمله به روستای بیسا کشته شده است. به گزارش ایرنا این ۳ روستا در کنترل حکومت محلی «بورگو» و هم‌مرز ایالت «کوارا» است که ابتدای ماه فوریه (۱۲ بهمن) ۱۶۰ شهروند ساکن آن به دست افراد مسلح کشته شده بودند. درباره مسلمان یا مسیحی‌بودن این روستائیان گزارشی منتشر نشده است. گفتنی است؛ دولت مرکزی نیجریه چندان کنترلی بر مناطق مرزی خود در غرب این کشور ندارد و سال‌هاست که در این مناطق گروه‌های مسلح با حمله به روستائیان به کشتار، ربایش و اخاذی از آنها دست می‌زنند.

انگلیس از ترس تصاحب گرینلند توسط آمریکا به قطب شمال ناو اعزام می کند

دولت «کر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس از ترس تصاحب گرینلند توسط ترامپ، ناو هواپیمابر به نزدیک این جزیره در قطب شمال اعزام می‌کند.

آن‌طور که خبرگزاری آناتولی نوشته است: دولت انگلیس اعلام کرده قصد دارد ناو هواپیمابر «چ.ام.اس شاهزاده ولز»، بزرگترین ناو هواپیمابر نیروی دریایی این کشور را در طی سال ۲۰۲۶ در راستای تقویت تدابیر امنیت منطقه‌ای در اقیانوس اطلس شمالی و آب‌های قطب شمال مستقر سازد. وزارت دفاع انگلیس مدعی شد این اقدام در راستای یک قدرت‌نمایی بزرگ و تقویت بازدارندگی ناتو در زمانه تهدیدهای فزاینده روسیه انجام می‌شود! روزنامه تلگراف اما نوشته دولت «کر استارمر» این ناو هواپیمابر را با این انگیزه به قطب شمال و نزدیکی آب‌های گرینلند اعزام می‌کند تا رئیس‌جمهوری آمریکا را از تصاحب این جزیره تحت مالکیت دانمارک منصرف کند. ترامپ در توجیه تهدیدهایش علیه گرینلند معتقد است که اگر واشنگتن این جزیره خودگردان را تصاحب نکند، مسکو یا پکن آن را مالک می‌شوند.

نگاه

جزیره اپستین و بحران مشروعیت نخبگان غربی

۱- انتشار اسناد جدید پرونده جفری اپستین در ژانویه ۲۰۲۶، با افشای ابعاد تازه‌ای از فساد سیستماتیک در میان ثروتمندترین و قدرتمندترین چهره‌های تمدن غربی، موج جدیدی از شوک و انزجار را برانگیخته است. آنچه زمانی یک رسوایی جنسیِ محدود پنداشته می‌شد، اینک به مثابه آینه‌ای تمام‌نما از زوال اخلاقیِ، شکاف عمیق میان گفتمان رسمی و عملکرد پنهان و مهم‌تر از همه، بحران مشروعیت نخبگان حاکم بر جهان غرب ظاهر شده است. باید بیشتر از این به تحلیل ابعاد این بحران و پیامدهای آن برای آینده نظم لیبرال - دموکراتیک پرداخت.

۲- سال‌ها، جهان غرب خود را به عنوان الگوی حقوق بشر، آزادی‌های فردی و حکمرانی اخلاقی معرفی می‌کرد. اما با انتشار اسناد جدید پرونده جفری اپستین، این «نمای درخشان» برای همیشه خدشه‌دار شد. در ژانویه ۲۰۲۶، موج جدیدی از اسناد، تصاویر و ارتباطات محرمانه منتشر شد که نشان داد شبکه‌های فساد و بهره‌کشی، نه یک استثنا، که جزئی جدایی‌ناپذیر از ساختار قدرت در غرب بوده است.

پرونده اپستین اینک فراتر از یک ماجرای جنسی، به نمادی از «بحران مشروعیت» در تمدن غربی تبدیل شده است؛ بحرانی که در آن نخبگان سیاسی، مالی و فرهنگی، نه‌تنها از پاسخگویی در برابر قانون طفره می‌روند، بلکه با بهره‌گیری از شبکه‌های نفوذ، خود را فراتر از نظم اخلاقی و حقوقی حاکم بر جوامع می‌بینند.

۳- جزیره اپستین؛ فراتر از یک رسوایی جنسی است. اسناد جدید نشان می‌دهد که جزیره‌ای که اپستین در کاراتیب ساخته بود، صرفاً مکانی برای ارضای امیال شخصی نبود، بلکه به «مرکز فرماندهی» شبکه‌ای از فساد و باج‌گیری در سطح نخبگان تبدیل شده بود. این پرونده اینک چهره‌های شاخصی از طیف‌های مختلف سیاسی و صنعتی را دربر می‌گیرد: از بیل کلینتون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا و ترامپ گرفته تا شخصیت‌های آکادمیکی همچون لری سامرز، رئیس پیشین دانشگاه هاروارد.

در یکی از ایمیل‌های منتشر شده، جیمز ای. استالی، مدیرعامل پیشین بارکلیز، در سال ۲۰۱۴ به اپستین می‌نویسد که نگران شورش‌های مردمی مانند آنچه در برزیل رخ داد نیست، زیرا «گروهی که باید به خیابان بیایند، خریده شده‌اند». این ایمیل به‌خوبی نشان می‌دهد که نخبگان غربی چگونه با آگاهی کامل از شکاف طبقاتی و نابرابری، خود را در حصاری از ثروت و قدرت مصون از خشم عمومی می‌دیدند. نیکول همینر، استاد تاریخ دانشگاه وندربیلت، معتقد است: «مردم از دامنه همدستی نخبگان در دنیای اپستین شوکه شده‌اند. این سطحی از فساد است که عموم مردم اکنون تصویر کاملی از آن را می‌بینند».

۴- «بحران مشروعیت» اصطلاحی است که یورگن هابرماس، فیلسوف و نظریه‌پرداز آلمانی، برای توصیف وضعیتی به‌کار برد که در آن نظام‌های سیاسی، توانایی حفظ وفاداری توده‌ها را از دست می‌دهند، زیرا دیگر قادر به توجیه اخلاقی قدرت خود نیستند. پرونده اپستین دقیقاً همین نقطه را هدف گرفته است. نخبگان غربی برای حفظ قدرت خود به دو عنصر نیاز دارند؛ کارآمدی و مشروعیت اخلاقی. آنچه اسناد اپستین افشا کرد، نابودی کامل مشروعیت اخلاقی آنان بود.

پراتاپ بهانو مهتا، تحلیلگر سرشناس هندی، در تحلیل خود برای ایندین اکسپرس می‌نویسد: «پرونده‌های اپستین تصویر اشعه ایکس تکان‌دهنده‌ای از نخبگان آمریکایی ارائه می‌دهد؛ نابالغ، مملو از احساس مصونیت از مجازات، فاسد، و هرزه... این نخبگان آن‌چنان نیازمند، حریص و آسیب‌پذیر هستند که به‌سختی می‌توان به آنها اعتماد کرد». او تأکید می‌کند که این پرونده‌ها نه درباره گناه یا بی‌گناهی افراد، که درباره «ماهیت قدرت جمعی» است.

۵- یکی از مهم‌ترین ابعاد پرونده اپستین، ریاکاری سیستماتیک حاکم بر گفتمان نخبگان غربی است. همان چهره‌هایی که در مجامع بین‌المللی از «توانمندسازی زنان» و «حمایت از کودکان» سخن می‌گفتند، نامشان در فهرست پروازهای یک قاچاقچی جنسی دیده می‌شود. نشریه کابل تایمز در تحلیلی تند می‌نویسد: «این اوج ریاکاری است که چهره‌هایی که از «حمایت از زنان» دفاع می‌کنند، همان افرادی هستند که در پرونده‌های یک قاچاقچی بدنام انسانی یافت می‌شوند».

نکته مهم‌تر، نقش نهادهای مسئول در پنهانکاری و حمایت از این شبکه است. برای دهه‌ها، رسانه‌ها، سیستم قضائی و نهادهای اطلاعاتی در برابر این فساد سکوت کردند. لوکاس لیروز، تحلیلگر بنیاد فرهنگ استراتژیک، معتقد است که این سکوت نتیجه «شکست تحقیقاتی» نبود، بلکه «تصمیمی در سطح بالا» بود. از معامله جنجالی دادستان‌ها با اپستین در سال ۲۰۰۸ که به او اجازه داد تنها ۱۳ ماه را با آزادی‌های گسترده در حبس بگذراند، تا مرگ مشکوک او در زندان در سال ۲۰۱۹، همه نشان‌دهنده عملکرد یک سیستم طراحی شده برای محافظت از خود است.

۶- پیامدهای این بحران مشروعیت، فراتر از رسوایی‌های فردی است. نخستین و مهم‌ترین نتیجه، افول اعتماد عمومی به نهادهای سنتی در جوامع غربی است. ویل بانچ، ستون‌نویس فیلادلفیا اینکوایرر، در تحلیلی تند می‌نویسد: «اگر شرارت پیش پا افتاده قدرتمندترین مردم جهان که در ایمیل‌های اپستین افشا شده، انقلابی به پا نکند، هیچ چیز دیگری به پا خواهد کرد».

این موج بی‌اعتمادی، به طور مستقیم به رشد جنبش‌های پوپولیستی و ضد سیستم دامن زده است. در آمریکا، چهره‌هایی مانند مارجوری تیلورگرین از جناح راست، و روهیت کانا از جناح چپ، هر دو خواستار افشای کامل اسناد شدند و از آن به عنوان ابزاری برای نقد ساختار قدرت استفاده کردند. با این حال، مهتا هشدار می‌دهد که اگر نخبگان از این ماجرا بگریزند، «راه به سوی نیهیلیسم اخلاقی باز خواهد شد، نقطه‌ای که به طرز خطرناکی به آن نزدیک شده‌ایم».

نکته دیگر، بین‌المللی شدن بحران مشروعیت است. این پرونده به‌راحتی توسط رقبای ژئوپلیتیک غرب برای زیر سؤال بردن گفتمان اخلاقی آن استفاده می‌شود. تحلیلگرانی در جهان غیرغربی از این پرونده به عنوان مدرکی بر «ورشکستگی اخلاقی نظم سکولار - لیبرال» یاد می‌کنند و آن را در مقابل نظام‌های ارزشی خود قرار می‌دهند.

۷- پس از انتشار اسناد جدید، این پرسش اساسی مطرح است: آیا تمدن غربی می‌تواند از این بحران عمیق مشروعیت عبور کند؟ لوکاس لیروز معتقد است که «پس از اپستین، هیچ چیز نمی‌تواند مانند قبل ادامه یابد» و «دیگر نمی‌توان تظاهر کرد که سیستم بیمار است اما قابل بهبود است».

برخی تحلیلگران مانند نویسنده هنگ‌کنگی، خواستار نگاهی واقع‌بینانه به ماهیت نخبگان هستند. به اعتقاد او، نخبگان نه فرشته‌اند و نه شیطان؛ آنها انسان‌هایی با نقاط ضعف و قوت هستند. مشکل اصلی، نبود سازوکارهای مؤثر برای نظارت و پاسخگویی است. از این منظر، راه‌حل نه در انکار نخبگان، که در بازتعریف رابطه نخبگان و مردم و ایجاد نهادهای نظارتی قدرتمند است.

با این حال، آنچه مسلم است، پایان «دوران ساده‌لوحی» است. پرونده اپستین نشان داد که «نمای درخشان» تمدن غربی دیگر توانایی پنهان کردن فساد سیستمیک را ندارد. جهان نظاره‌گر است تا ببیند آیا نخبگان غربی می‌توانند از این بحران مشروعیت، با اصلاح ساختارهای فاسد و بازسازی اعتماد عمومی، عبور کنند، یا اینکه این رسوایی، سرآغاز زوالی عمیق‌تر برای تمدنی خواهد بود که دیگر توانایی توجیه اخلاقی خود را از دست داده است. به تعبیر مهتا، «نخبگانی این‌چنین نیازمند، حریص و آسیب‌پذیر را به‌سختی می‌توان برای اعمال قضاوت صحیح قابل اعتماد دانست».

دکتر مهدی جبرائیلی تبریزی

نیوزویک بررسی کرده است

پشت‌پرده رفتارهای «دیوانه‌وار» ترامپ او عقده خدایی دارد

سرویس خارجی-

«تام راجرز»، دبیر و تحلیلگر هفته‌نامه آمریکایی «نیوزویک» با اشاره به کتاب «۱۰ فرمان ترامپ» نوشته، «ترامپ عقده خدایی دارد؛ اختلالی که در آن فرد باور تزلزل‌ناپذیری به برتری و خطاناپذیر بودن خود دارد.»

کارشناسان بسیاری هستند که ترامپ را مجسمه‌ای از زشت‌ترین رذایل انسانی می‌دانند. یکی از شاخص‌ترین خصیصه‌های او «دروغگویی» است؛ بررسی اظهارات و مواضع وی نشان می‌دهد او زیاد دروغ می‌گوید. این صفت ارتباط تنگاتنگی با بیماری خودشیفتگی افراطی دارد. او دروغ می‌گوید چون دوست دارد «برنده» به‌نظر برسد و تصویری مطلوب از خود در رسانه‌ها ارائه دهد. ویژگی دیگر ترامپ «بی‌ثباتی هیجانی» و «نوسان شدید» در تصمیم‌گیری است که در بسیاری موارد باعث اتخاذ سیاست‌ها و مواضع غیرمنتظره و متناقض شده است.

یک تحلیلگر برجسته آمریکایی حوزه اقتصاد و رسانه نیز بر این باور است پشت رفتارهای به‌ظاهر دیوانه‌وار ترامپ، یک روش مشخص وجود دارد. «تام راجرز»، دبیر و تحلیلگر آزاد مجله آمریکایی «نیوزویک» در مطلبی با تحلیل رفتارها و روش‌شناسی «دونالد ترامپ» می‌نویسد: «جنجال‌آفرینی‌های ترامپ از تلاشش برای تصاحب جزیره گرینلند تا درخواست اخیرش برای تغییر نام ۲ ایستگاه قطار مهم به نام خود، همگی نشانه‌هایی از یک الگوی رفتاری مشخص هستند.» به گفته وی رئیس‌جمهور آمریکا هر روز با رفتارهای هنجارشکنانه خود ماجراهای جدیدی را رقم می‌زند؛ رفتارهایی آکنده از خودشیفتگی، دمدمی‌مزاجی و طرح درخواست‌های گزاف منزجرکننده که تنها نشان‌دهنده منفعت‌طلبی او در هر موقعیتی هستند.

«راجرز» که رئیس هیئت‌مدیره یک شرکت فعال در حوزه هوش مصنوعی به نام «کلایگرید» و بنیانگذار شبکه خبری «سی‌ان‌بی‌سی» است با محوریت دادن و استناد به کتاب تازه‌ای در مورد دونالد ترامپ استراتژی‌های تکراری پشت رفتارهای او را تحلیل می‌کند. این کتاب تحت عنوان «۱۰ فرمان ترامپ» نوشته «جفری سوننفلد»، استاد برجسته مدرسه مدیریت دانشگاه ییل و همکارش «استیون تیان»، تلاش کرده است تا روش پشت رفتارهای جنجالی و به‌ظاهر غیرمنطقی ترامپ را رمزگشایی کند.

۱۰ فرمان ترامپ

به گفته راجرز «سوننفلد» و «تیان» در کتاب «۱۰ فرمان ترامپ» تلاش کرده‌اند تا رفتارهای به‌ظاهر متناقض رئیس‌جمهور آمریکا را در قالب یک چارچوب منسجم تحلیل کنند. این کتاب که با الهام از تورات نامگذاری شده، نشان می‌دهد در جهان‌بینی ترامپ، همه‌چیز حول محور او می‌چرخد. نگارندگان، ترامپ را مبتلا به «عقده خدایی»، اختلالی که در آن فرد باور تزلزل‌ناپذیری به برتری و خطاناپذیر بودن خود دارد، دانسته و معتقد هستند که این توضیح‌دهنده بسیاری از اقدامات جنجالی وی است. رسانه آمریکایی «دیلی‌بیست» اخیرا در مطلبی از ترامپ به عنوان یک «ابله مجنون خطرناک» توصیف کرد که هیچ نشانی از منطق در پشت اقداماتش وجود ندارد. این تحلیل از اقدامات ترامپ نسبتا رواج پیدا کرده اما «سوننفلد» نویسنده کتاب استدلال می‌کند این یک اشتباه جدی است که قدرت استراتژیک ترامپ را نادیده بگیریم. او معتقد است که پشت این آشفتگی ظاهری، یک منطق قابل پیش‌بینی و تکرارشونده وجود دارد.

از مشت اولیه تا اثر خفته

این تحلیلگر ارشد نیوزویک در ادامه با اشاره به کتاب «۱۰ فرمان ترامپ» سه استراتژی محوری پشت رفتارهای ترامپ را توضیح می‌دهد و می‌نویسد اولین راهبرد «هنر معامله با مشت به صورت» است. به گفته وی برخلاف رهبران سنتی که تلاش می‌کنند با ایجاد اعتماد، مذاکره را آغاز کنند، ترامپ همواره با یک «مشت به صورت» شروع می‌کند. او از همان ابتدا موضعی غیرمنتظره و افراطی اتخاذ می‌کند تا حریف را گیج و منفعل سازد. نمونه بارز این استراتژی، پیشنهاد تصاحب گرینلند از دانمارک بود. در نهایت، وقتی ترامپ به توافقی می‌رسد که به مراتب ملایم‌تر از خواسته اولیه‌اش است، آن را یک پیروزی بزرگ برای خود جلوه می‌دهد.

به گفته راجرز دومین راهبرد وی «اثر خفته» است؛ ترامپ استاد تکرار بی‌پایان یک ادعا فارغ از اینکه آن ادعا حقیقت داشته باشد یا خیر است. (و طبق آمارها معمولا و به طور مفروض همه ادعاهای او دروغ هستند). او در راستای این استراتژی به منظور باورپذیرکردن حرف‌هایش با چنان اطمینان و قاطعیتی سخنانش را تکرار می‌کند که به مرور زمان، مخاطبان طبق یک پدیده مشهور روانی به نام «اثر خفته» آن را به عنوان حقیقت می‌پذیرند. در این میان، رسانه‌های همسو با دولت نیز با بازتاب مداوم این ادعاها، به تحقق این استراتژی کمک می‌کنند. به این ترتیب استراتژی ترامپ در واقع مبنی بر این پدیده است که «دروغ اگر هزار بار تکرار شود، در اذهان عمومی تبدیل به حقیقت می‌شود».

راجرز می‌نویسد سومین راهبرد ترامپ «من به تنهائی می‌توانم آن را درست کنم» است این عبارت که همچون یک شعار توسط ترامپ تکرار شده، تجلی خودشیفتگی حاد او است. او دائما از خود و دستاوردهایش با ادبیاتی اغراق‌آمیز صحبت کرده و برای هر آنچه که به خودش مرتبط باشد، اعتباری قهرمانانه قائل می‌شود. ترامپ حتی فضاهای فیزیکی مرتبط با خود را با طلا می‌پوشاند و در تازه‌ترین نمونه، برای بازگرداندن بودجه یک پروژه تونلی حیاتی میان نیویورک و نیوجرسی، شرط تغییر نام ایستگاه‌های «پن استیشن» و فرودگاه «دالس» به نام خود را مطرح کرده است. این خواسته‌ها، علاوه بر ارسال سیگنال خودشیفتگی بخشی از راهبرد و جهان‌بینی او است.

به عقیده تحلیلگر نیوزویک، کتاب «۱۰ فرمان ترامپ» نشان می‌دهد که آنچه به‌نظر می‌رسد دیوانگی صرف باشد، در واقع ترکیبی منحصربه‌فرد از ویژگی‌های شخصیتی و استراتژی‌های حساب‌شده است. اگرچه این ویژگی‌ها در مجموع، تصویری از ترامپ به عنوان یک «خودشیفته جامعه‌ستیز» را ترسیم می‌کنند، اما تحلیل دقیق‌تر این جنبه را باید به روانپزشکان واگذار کرد. آنچه اهمیت دارد، درک این نکته است که هر بار ترامپ درخواستی ظاهرا تصادفی و نامعقول مطرح می‌کند- چه تصاحب گرینلند باشد و چه تغییر نام یک ایستگاه قطار- پشت این جنون ظاهری، یک استراتژی روشمند نهفته است و به عقیده راجرز برای رمزگشایی از این استراتژی، خواندن این کتاب می‌تواند چراغ راه باشد.

رکوردشکنی در بازداشت‌های غیرقانونی

خبر دیگر از آمریکا این که براساس بررسی اسناد دادگاه‌ها توسط خبرگزاری رویترز، در ماه‌های اخیر بیش از ۴هزار مهاجر به طور غیرقانونی توسط اداره مهاجرت و گمرک آمریکا بازداشت شده‌اند. گزارش رویترز نشان می‌دهد که از اوایل اکتبر(مهر) تاکنون، دست‌کم در ۴۴۲۱ پرونده، بیش از ۴۰۰ قاضی فدرال حکم داده‌اند که بازداشت افراد توسط اداره مهاجرت و گمرک (ICE) خلاف قانون بوده است. در مقابل، دولت ترامپ تأکید دارد که سیاست‌های جدید صرفاً اجرای دقیق قانون مهاجرت است و از حمایت قضائی نیز برخوردار شده است.

به گزارش فارس به نقل از رویترز، ترامپ وعده داده بزرگ‌ترین عملیات اخراج دسته‌جمعی مهاجران در تاریخ آمریکا را اجرا کند. در یک‌سال گذشته، اجرای این سیاست‌ها با افزایش چشمگیر بازداشت‌ها همراه بوده است؛ به‌گونه‌ای که جمعیت بازداشت‌شدگان مهاجرتی به حدود ۶۸هزار نفر رسیده که نسبت به آغاز دوره ریاست‌جمهوری ترامپ حدود ۷۵درصد افزایش داشته است. در این میان، فعالان حقوق مهاجران هشدار داده‌اند که برخی بازداشت‌ها شامل شهروندان آمریکایی و دارندگان اقامت دائم قانونی نیز شده و مواردی از نقض «دادرسی عادلانه» گزارش شده است.

تعطیلی وزارت امنیت داخلی آمریکا

خبر دیگر از آمریکا این که وزارت امنیت داخلی آمریکا بامداد روز شنبه و پس از آن که جمهوری‌خواهان سنا نتوانستند لایحه تأمین بودجه این وزارتخانه را به تصویب برسانند؛ تعطیل شد. این لایحه با ۵۲ رای موافق در برابر ۴۷ رای مخالف تصویب شد، اما به دلیل نرسیدن به حدنصاب ۶۰ رأی لازم شکست خورد. این بن‌بست در حالی رخ داده است که دموکرات‌ها و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در حال مذاکره بر سر اعمال تغییراتی در شیوه اجرای قوانین مهاجرت هستند؛ مذاکراتی که پس از کشته‌شدن دو شهروند آمریکایی در مینیاپولیس، ابعاد سیاسی و امنیتی پررنگ‌تری به خود گرفته است.

گزارش نیویورک تایمز از «امپراتوری اتمی چین»

سرویس خارجی-

بنابر اعلام روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز»، تصاویر ماهواره‌ای تلاش‌های مخفیانه پکن برای گسترش زرادخانه هسته‌ای خود را نشان می‌دهد.

در جهانی که هنوز از سایه قارچ‌های اتمی بیرون نیامده، واشنگتن بار دیگر با ژست «نگهبان نظم هسته‌ای» به دیگران هشدار می‌دهد. همان کشوری که زرادخانه‌ای متشکل از هزاران کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد و تنها بازیگری است که در تاریخ، از سلاح هسته‌ای علیه کشوری دیگر استفاده کرده است. آمریکا در حالی دیگران را به شفافیت و خویشتنداری فرامی‌خواند که خود، طی دهه‌ها با توسعه و نوسازی مداوم تسلیحات اتمی‌اش و پیشبرد رقابت‌های تسلیحاتی، عملاً تنور این مسابقه خطرناک را روشن نگه داشته است. اکنون نیز با تمرکز روی تحرکات هسته‌ای چین و طرح ضرورت گنجاندن پکن در توافقات جدید، واشنگتن می‌کوشد روایت مسلط را در اختیار بگیرد، روایتی که در آن، آمریکا نه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان سلاح‌های کشتارجمعی، بلکه به عنوان «پلیس هسته‌ای جهان» معرفی می‌شود. این دوگانگی آشکار، پرسشی اساسی را پیش‌روی افکار عمومی جهان قرار می‌دهد: «آیا ابراز نگرانی آمریکا نسبت به اشاعه تسلیحات هسته‌ای، دغدغه‌ای واقعی برای امنیت جهانی است یا ابزاری برای مدیریت رقبا؟»

امپراتوری هسته‌ای چین

به گزارش «ایسنا»، عکس‌های ماهواره‌ای از دره‌های سرسبز جنوب‌غربی چین، افزایش سریع توان هسته‌ای این کشور را نشان می‌دهد، اقداماتی که برای عصر جدیدی از رقابت ابرقدرت‌ها طراحی شده است. یکی از این دره‌ها به نام زیتونگ در استان سیچوان قرار دارد؛ جایی که مهندسان در حال ساخت سنگرگاه‌ها و سدهای جدید بوده‌اند. یک مجموعه جدید با لوله‌هایی پوشیده شده که نشان می‌دهد این تأسیسات مواد بسیار خطرناکی را مدیریت می‌کند. دره دیگر، محل تأسیسات با حصار دوجداره به نام پینگتونگ است، جایی که کارشناسان معتقدند چین هسته‌های کلاهک‌های هسته‌ای مملو از پلوتونیوم را در آن می‌سازد. سازه اصلی که فضای بیشتر آن یک دودکش تهویه به ارتفاع ۳۶۰ فوت است، در سال‌های اخیر با دریچه‌های جدید بازسازی شده است. همچنین ساخت‌وسازهای بیشتری در کنار آن در حال انجام است. بالای ورودی تأسیسات پینگتونگ، یک جمله برجسته از «شی جین‌پینگ»، رهبر چین، با حروف بسیار بزرگی که از فضا قابل مشاهده است، قرار دارد: «به نهضت بنیانگذار وفادار بمانید و همیشه مأموریت ما را به‌خاطر داشته باشید.»

روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» گزارش داد، این‌ها از جمله چندین سایت مخفی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای در استان سیچوان هستند که در سال‌های اخیر گسترش و ارتقا یافته‌اند. این اقدامات چین، تلاش‌ها برای احیای کنترل‌های تسلیحاتی در جهان پس از انقضای آخرین پیمان تسلیحات هسته‌ای بین آمریکا و روسیه را پیچیده می‌کند. واشنگتن معتقد است که هرگونه توافق‌نامه جایگزین باید چین را نیز شامل شود اما پکن هیچ علاقه‌ای به این موضوع نشان نداده است. «رنی بابیارز»، کارشناس اطلاعات جغرافیایی، که تصاویر ماهواره‌ای و سایر شواهد بصری این سایت‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و یافته‌های خود را با نیویورک‌تایمز به اشتراک گذاشته است، گفت: «تغییراتی که ما در این مکان‌ها می‌بینیم با اهداف وسیع چین برای تبدیل‌شدن به یک ابرقدرت جهانی همسو است. سلاح‌های هسته‌ای بخش جدایی‌ناپذیری از آن هستند.» او هر مکان هسته‌ای در چین را به قطعه‌ای از یک موزاییک تشبیه کرد که به طور کلی، الگویی از رشد سریع را نشان می‌دهد. او در ادامه گفت: «در همه این سایت‌ها تکامل وجود داشته، اما به طور کلی، این تغییرات از سال ۲۰۱۹ سرعت گرفته‌اند.»

برآوردهای پلیس خودخوانده هسته‌ای!

گسترش برنامه‌های هسته‌ای چین منبع روزافزون تنش بین این کشور و آمریکا بوده است. «توماس جی‌دی‌ننانو»، معاون وزیر امورخارجه آمریکا در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل، این ماه علناً چین را به انجام مخفیانه آزمایش‌های انفجاری هسته‌ای در نقض مهلت قانونی جهانی متهم کرد. پکن این ادعا را نادرست خوانده و کارشناسان در مورد صحت و دقت شواهد ادعاهای دی‌ننانو بحث کرده‌اند. طبق آخرین برآورد سالانه پنتاگون، چین تا پایان سال ۲۰۲۴ بیش از ۶۰۰ کلاهک هسته‌ای داشته و می‌خواهد تا سال ۲۰۳۰ به هزار کلاهک هسته‌ای برسد. «متیو شارپ»، یکی از مقامات سابق وزارت امورخارجه که اکنون عضو ارشد مرکز سیاست امنیت هسته‌ای در مؤسسه فناوری ماساچوست است، گفت: «این ذخایر چین بسیار کمتر از هزاران کلاهک هسته‌ای است که آمریکا و روسیه در اختیار دارند، اما گسترش آن‌ها دردسرساز است.»

در پایان گفتنی است، آنچه امروز بیش از هر چیز معادلات استراتژیک جهان را دگرگون کرده، شتاب خیره‌کننده پیشرفت‌های نظامی و... چین در سال‌های اخیر است. این شتاب حتی تحلیلگران غربی را نیز غافلگیر کرده است. پکن نه‌تنها در حوزه هسته‌ای، بلکه در توسعه موشک‌های هایپرسونیک، سامانه‌های پدافندی پیشرفته، ناوگان دریایی آب‌های دوردست و فناوری‌های نو فضائی و سایبری، جهشی کم‌سابقه را تجربه کرده است. سرعت این تحول به اندازه‌ای بوده که بسیاری از برآوردهای رسمی آمریکا طی کمتر از چند سال نیازمند بازنگری شده‌اند. در این‌جا می‌توان، هم‌صدا با کارشناسان زیادی از سراسر جهان، هشدار داد که ادامه مسابقه تسلیحاتی با همین شتاب، جهان را نه به سوی امنیت بیشتر، بلکه به سوی بی‌ثباتی پیچیده‌تر سوق خواهد داد.

کنفرانس مونیخ؛ روز دوم
از تقابل با پکن تا شاخه زیتون برای اروپا

دومین روز کنفرانس امنیتی مونیخ شاهد رویکرد آشتی‌جویانه آمریکا نسبت به اروپا و همزمان رویکرد تقابلی چین با آمریکا بود.

دومین روز کنفرانس امنیتی مونیخ فضائی نسبتاً متفاوت از روز اول داشت. روز دوم این نشست به‌رغم موضع اروپایی‌ها برای استقلال امنیتی از آمریکا، مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا تلاش کرد تا موضع نسبتاً متعادلی در رابطه با اروپا در پیش بگیرد. براساس گزارش‌ها در حالی که رهبران اروپایی بر ضرورت بازتعریف نقش قاره اروپا در امنیت جمعی تاکید کردند، مقام‌های آمریکایی تلاش داشتند پیام‌های اطمینان‌بخش درباره ادامه حمایت از متحدان غربی را منتقل کنند. تارنمای اروپایی «یورواکتیو» درباره نشست‌های روز دوم نوشته است: بعد از حضور جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در کنفرانس- که سال گذشته اروپا را دشمن دموکراسی خوانده بود- شرکت‌کنندگان منتظر سخنرانی صبح شنبه روبیو بودند تا ببینند چه اتفاقی رخ خواهد داد... زمزمه‌های عجیبی نیز در میان برخی از مفسران و مقامات اروپایی وجود داشت که گمان می‌کردند روبیو ممکن است کاملاً منظورش آن چیزی نباشد که گفته است. به نوشته «یورواکتیو» با این وجود، وزیر خارجه آمریکا تنها کسی نبود که لحن آشتی‌جویانه‌ای اتخاذ کرد. «البریج کولبی»، معاون وزیر جنگ در امور سیاست‌گذاری آمریکا نیز در سخنرانی خود شاخه زیتون را به نشانه دوستی دراز کرد. دیگر مقامات آمریکایی نیز از طریق کانال‌های آرام‌تر، تلاش‌های قابل‌توجهی برای تأکید- به جای تضعیف- پیام روبیو در مورد گسترش روابط انجام دادند.

سفیر آمریکا در ناتو نیز با بیان اینکه آمریکایی‌ها، اروپا یا این اتحاد نظامی را ترک نمی‌کنند، در تلاش برآمد تا نگرانی‌ای را که باعث وحشت در سراسر قاره سبز شده بود، کاهش دهد. اما او گفت که اروپایی‌ها باید مسئولیت بیشتری را برعهده بگیرند. به گزارش ایسنا، اظهارات «متیو ویتاکر» در گفت‌وگو با نشریه پولیتیکو در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، ساعاتی پس از آن مطرح شد که «مارکو روبیو» تلاش کرد به متحدان اروپایی که نگرانند واشنگتن از آنها- به‌ویژه با خارج کردن ده‌ها هزار سرباز آمریکایی- فاصله بگیرد، اطمینان‌خاطر دهد. به نوشته پولیتیکو مقامات آمریکایی امسال در کنفرانس امنیتی سالانه مونیخ، لحن آشتی‌جویانه‌تری اتخاذ کرده‌اند، زیرا اتحاد فرا آتلانتیک با بزرگ‌ترین تنش در روابط هفت دهه‌ای خود روبه‌رو است.

توطئه آمریکا علیه چین

اما تلاش آمریکا برای نزدیکی به اروپا در روز دوم کنفرانس همراه بود با سخنرانی ضدآمریکایی وزیر خارجه چین. به گزارش ایرنا «وانگ یی» وزیر خارجه چین در جریان سخنرانی خود در شصت‌ودومین کنفرانس امنیتی مونیخ با انتقاد از سیاست‌های دولت ترامپ گفت: آمریکا ممکن است در آینده سیاستی را در پیش بگیرد که تحریک و توطئه برای تجزیه چین از طریق تایوان و عبور از خط قرمز پکن را شامل شود. این امر به احتمال زیاد می‌تواند به رویارویی مستقیم میان چین و آمریکا منجر شود. وزیر خارجه چین همچنین با بیان اینکه پکن امیدوار است واشنگتن رویکردی مثبت و عملگرایانه در قبال تایوان اتخاذ کند، خاطرنشان کرد: در غیر این صورت، چین آماده مقابله با خطرات مختلف خواهد بود. وی در ادامه با اشاره به اینکه رابطه پکن و توکیو از زمان روی کارآمدن سانائه تاکایچی نخست‌وزیر ژاپن تحت فشار شدید قرار گرفته است، گفت: ژاپنی‌ها نباید اجازه دهند که توسط نیروهای راست افراطی یا کسانی که به دنبال احیای نظامی‌گری هستند، فریب داده شوند.

لزوم استقلال امنیتی اروپا

«لورسولا فون درلایین» رئیس کمیسیون اروپا هم در اظهاراتی با بیان اینکه اتحادیه اروپا باید از نظر امنیتی اتکای به دیگران را کاهش داده و روی پای خود بایستد، تاکید کرد: زمان اجرای بند دفاع متقابل اروپا فرا رسیده است. به نوشته پولیتیکو فون درلایین در جریان سخنرانی خود در شصت‌ودومین کنفرانس امنیتی مونیخ اعلام کرد که اتحادیه اروپا باید بند دفاع متقابل خود را فعال و تقویت کند؛ بندی که طبق ماده ۴۲.۷ معاهده اتحادیه اروپا، کشورهای عضو را موظف می‌کند در صورت حمله به یکی از اعضای این اتحادیه، با تمام توان به یاری او بشتابند. وی افزود: دفاع متقابل برای اتحادیه اروپا یک امر اختیاری نیست بلکه یک تعهد الزام‌آور در چارچوب معاهدات اروپا است. فون درلایین همچنین با اشاره به تضعیف تعهدات امنیتی آمریکا نسبت به ناتو و نگرانی‌های فزاینده درباره اتکای اروپا به واشنگتن، خاطرنشان کرد: اروپا باید برای اتکا بر داشته‌های خود تلاش بیشتری انجام دهد. رئیس کمیسیون اروپا در ادامه با بیان اینکه اجرای این بند به معنای کنار گذاشتن ناتو نیست، تاکید کرد: اما اروپا باید ظرفیت دفاعی مستقل خود را تقویت کند. فون درلاین در پایان ضمن استقبال از سخنان مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا درباره اهمیت روابط دو سوی آتلانتیک، در عین حال تاکید کرد که اروپا باید وابستگی خود به دیگران، از جمله آمریکا را کاهش دهد و نقش فعال‌تری در امنیت خود ایفا کند.

ترامپ رفتنی است

خبر دیگر از کنفرانس امنیت